

## گاهی می شود تکرار کرد

بعضی دانش آموزان، به عللی، در پایه‌ی اول دبستان موفق به فراگیری مطلوب حروف الفبا نمی‌شوند و با همین شرایط به پایه‌های بالاتر راه می‌یابند. در اکثر مواقع، این دانش آموزان یا افرادی دیرآموزند یا به دلیل فراگیری زبان دوم (غالباً با زبان مادری آذری) حروف الفبای فارسی را در یک سال تحصیلی به خوبی فرا نمی‌گیرند و در حالی که آمادگی ارتقا ندارند، به پایه‌های بعدی می‌رسند.

نداشتن مردودی و تجدیدی ایرادی است که به نظام توصیفی وارد است. این موضوع لطمه‌ی شدیدی به این گونه بچه‌ها می‌زند، به نحوی که در پایه‌های چهارم و پنجم، معلم هم دیگر نمی‌تواند برای آن‌ها کاری انجام دهد، چون عمدتاً کلاس‌ها پرجمعیت هستند و وقت محدود و درس‌ها متنوع. لذا معلم نمی‌تواند با دانش آموزان ضعیف به‌طور اختصاصی کار کند. اگر فرصت هم داشته باشد، از کجا باید شروع کند؟ الفبای پایه‌ی اول یا انبوه مشکلات متعاقب آن در پایه‌های بعدی، از جمله نوشتاری، غلط‌های انبوه املائی، تلفظ ناصحیح واژگان یا جبران سرکوفت‌های مدرسه و خانواده و شکست‌های روحی و یأس و ناامیدی که در دانش آموز نهادینه شده‌اند؟

چنین دانش آموزی ناخواسته از حیطة کلاس طرد می‌شود. تنها حضور فیزیکی دارد، مورد تمسخر بچه‌ها قرار می‌گیرد، اعتمادبه‌نفس خود را در هر زمینه‌ای از دست می‌دهد، علاقه‌ای برای آمدن به مدرسه ندارد، از بچه‌ها و معلم بیزار و گوشه‌گیر و تنها می‌شود. هیچ‌کس حاضر نمی‌شود با او دوست شود و در نهایت، بدون آنکه چیزی از مدرسه عاید او شود، از آن خارج می‌شود و این شرایط ضربه‌ی روحی و روانی بد و شاید جبران‌ناپذیری به او می‌خورد.

در حالی که ما به راحتی می‌توانیم با تکرار پایه‌ی اول این مشکل را برطرف کنیم. این کار نه تنها به ضرر دانش آموز نیست و او را عقب نگه نمی‌دارد، بلکه لطف بزرگی است در حق او، چون پایه‌ی اول شالوده و زیر بنای تحصیل است و اگر نواآموز در این مرحله مطالب را خوب فرا بگیرد، مسیر ادامه‌ی تحصیل برایش هموارتر می‌شود. به همین علت است که معمولاً مدیران موفق سعی می‌کنند مجرب‌ترین، خوش‌ذوق‌ترین و پرتلاش‌ترین معلمان خود را برای تدریس در پایه‌ی اول در نظر بگیرند.

چنانچه دانش آموزی پایه‌ی اول را با موفقیت پشت سر بگذارد، به راحتی می‌تواند پایه‌های بالاتر را سپری کند و حتی به دانشگاه راه یابد. نه اینکه با تفکری اشتباه، مبنی بر اینکه پایه‌ی اول پایه‌ای راحت است، به پایه‌ی بالاتر بیاید تا اگر به مشکل برخورد، در پایه‌های بالاتر تکرار پایه داشته باشد. این کار عملی بیهوده خواهد بود و تکرار پایه در پایه‌های دیگر، با توجه به اینکه در آن پایه‌ها حروف الفبا آموزش داده نمی‌شود، برای او فایده‌ای نخواهد داشت.

پس ای پدر و مادر عزیز، اگر فرزندتان آمادگی ارتقا به پایه‌ی بالاتر را ندارد، اصراری به این موضوع نکنید! مدیر و معلم عزیز، برای رضای خدا، صرفاً به آمار و ارقام بالای قبولی کلاس‌ها و مدارس دل خوش نکنید. برای رضای خدا، سزاوار ندانید کیفیت آموزش و معلومات بچه‌ها که آینده‌سازان این مملکت هستند، قربانی کمیت آمار و ارقام قبولی مدارس شود.

### مریم رسولی

آموزگار پایه‌ی چهارم ابتدایی

تهران - منطقه ۱۱

# حرف‌های

# مگو، بگوی معلم‌ها

## نقدی بر ارزشیابی توصیفی

ارزشیابی توصیفی و رویکرد عالی آن دریچه‌ی امید بر تغییر در امر آموزش و ارزیابی است؛ طرحی که گرچه بخردانه طراحی شده است، ولی بنا بر دلایل خاص راه دیگر گونه‌ای را در عمل می‌پیماید.

- انتقال ناصحیح اهداف و روش‌ها توسط مدرسان؛

- تشکیل نشدن دوره‌های توجیهی فراگیر برای تمام همکاران؛

- ناهم‌خوانی بین اهداف با برنامه‌ها؛

- مقاومت همکاران نسبت به تغییر رویه‌ی ارزیابی.

از همه مهم‌تر، اشتباه در روی کار آمدن مدارس متفاوت و موضوع آزمون‌های وحشتناک ورودی و تمایل اولیا به شرکت حتمی فرزندان با قانون اجبار در کلاس‌های متنوع آزمون و آموزش و آزمون‌ها و کتاب کارهایی که بیش از تغذیه‌ی جسم و جان بچه‌ها، ذهن را از موضوعات گوناگون انباشته‌اند و صداپسته جیب دلان این بازار را انباشته‌تر کرده‌اند.

گرچه دولت‌مردان نیک‌اندیش در صدد حذف کنکور سرتاسری بر مبنای آسیب‌های روان‌شناختی آن هستند ولی این غول تشنه و هولناک با روح و روان نوجوان ما چه‌ها که نمی‌کند؟ معلم هم مقصر نیست ناخودآگاه یا آگاهانه وارد مسیر آموزش‌های متقاضیان شده و مسیر ارزشیابی توصیفی به قهقرایی می‌رود که می‌رس.

ادارات آموزش و پرورش هم با بخشنامه‌هایی خواسته‌ناخواسته به این امر دامن می‌زنند. «اعلام تعداد قبولی‌های مدارس خاص، تقدیر همکارانی که کلاسشان قبولی مدارس خاص داشته و...»

دغدغه‌ی موفقیت‌های کاذب جایگزین به اندیشی نسبت به بهبود وضعیت

آموزشی کودکان و نوجوانان گشته و چه‌بسا درس‌هایی که کتاب‌هایش در تمام سال فقط در کم‌دانش‌آموزان خاک می‌خورد و ساعت‌هایی که می‌شد صرف آموزش مهارت‌های کار و زندگی آینده شود، صرف شرکت در آموزشگاه‌های خصوصی می‌شود.

### هشت اشتباه

۱. ناآشنایی معلمان با

فنون خوب گوش دادن و خوب

دیدن برای بهبود وضعیت آموزشی

دانش‌آموزان؛ چرا که اگر بچه‌های

ما خوب ببینند و گوش دهند و یاد بگیرند که

خوب صحبت کنند، بسیاری از ضعف‌های درسی آنان

برطرف می‌شود. لازمه‌ی این مهارت، آشنایی معلمان با دوره‌های

فلسفه‌ی کودک است.

۲. تأکید برخی همکاران بر تدریس محض و کتاب، در صورتی که ایجاد ارتباط عاطفی

مؤثر و مناسب و ایجاد فضای محبت در کلاس، در روند یادگیری و آموزش بچه‌ها نقش مهمی دارد.

۳. شتاب برخی همکاران در تدریس کتاب‌ها و تلاش بر اتمام تدریس تا پایان اسفند، در صورتی که کتاب‌ها برای تا آخر اردیبهشت نوشته شده‌اند.

۴. استفاده‌ی اشتباه برخی همکاران از مقیاس‌های ارزشیابی توصیفی در زیر برگه‌های دانش‌آموزان و اشتباه عمل کردن در ارزشیابی، به دلیل آشنا نبودن با دوره‌های جدید توصیفی.

۵. زیادی تعداد دانش‌آموزان در کلاس‌های درس.

۶. ناآشنایی برخی مدیران با روش‌های صحیح ارزشیابی توصیفی و بی‌اطلاعی آنان از آنچه در کتاب‌های

درسی جدید اتفاق افتاده و توقعات نا بجایشان در خصوص نحوه‌ی ارزشیابی و تدریس و... از معلمان.

۷. ناآشنایی والدین از تغییر ساختار کتاب‌های درسی جدید و درس ریاضی و مداخله‌های آموزشی اشتباه آنان.

۸. آماده نبودن بچه‌های پایه‌ی اول برای ورود به دبستان، از جهت هماهنگی چشم و دست و

سنگش‌های ناکافی در بدو ورود به دبستان.

افسانه

عطری

کارشناس ارشد

مدیریت آموزشی

مدرس ریاضی

لیلا شایانی

مدرس کشوری مطالعات اجتماعی و ریاضی و

عضو شورای تألیف کتاب درسی مطالعات اجتماعی پایه‌ی ششم

## فاصله‌ی زیاد واقعیت با آرمان

مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی یکی از اعضای خانواده‌ی معلم‌های ابتدایی است و تمام معلمان آن همانند اعضای یک خانواده هستند؛ معلم‌هایی که چون در ابتدایی تدریس می‌کنند، گاهی بعضی‌ها به غلط خود آن‌ها را نیز معلم‌هایی ابتدایی فرض می‌کنند. خیلی وقت‌ها با خواندن مطالب مجله، دوست دارم با نویسنده‌ی مطلب از نزدیک آشنا شوم! ای کاش دفتر مجله شرایطی را فراهم می‌کرد تا اعضای این خانواده حداقل ماهی یک‌بار میزگرد هم‌اندیشی تشکیل دهند و در خصوص موضوع‌ها و مسائل و مشکلات آموزشی هم‌فکری کنند تا از وقوع بعضی اتفاقات پیشگیری شود و راهکارهای پیشگیری انتشار یابد!

ای کاش اعضای دست‌اندرکار مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی گاهی سرزده به مدارس بروند و خیلی از واقعیت‌ها و حقایق را از نزدیک ببینند!

ای کاش به جای دنیایی از ورقه و کتاب و مقاله که در خصوص ویژگی‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای معلم صحبت کرده است، به روش حرفه‌ای، نحوه‌ی ورود معلم تازه‌وارد را به خانواده‌ی فرهنگیان آموزش می‌دادند!

ای کاش با گفتن معلمی شغل انبیاست، درخواست‌ها و مشکلات معلم را نادیده نمی‌گرفتند!

آموزش و پرورش بسیار آرمانی است، اما آنچه در کلاس‌ها به‌عنوان واقعیت جریان دارد، چیز دیگری است. همه‌ی مسئولان آموزشی انتظاراتشان از معلم در حد آرمان‌هاست، اما اکثر ما معلم‌ها به تجربه‌های لازم، دانش و مهارت مجهز نیستیم. ای کاش مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی در پایان هر سال همایش‌های علمی - تخصصی برگزار می‌کرد!

ای کاش مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی هر ماه یا هر چند ماه یک‌بار، در خصوص مسائل و مشکلات آموزشی، با یک استاد تعلیم و تربیت مصاحبه می‌کرد و نتیجه را به‌عنوان راهکار در اختیار خوانندگان قرار می‌داد!

ای کاش مجله کانالی تلگرامی ایجاد می‌کرد و یک یا چند نفر از استادان، به‌عنوان استاد راهنما، به پرسش‌های معلم‌ها در خصوص مسائل آموزشی - تربیتی پاسخ می‌دادند!

ای کاش از تعداد دستورالعمل‌های تجویزی و دستوری اداره کم می‌شد تا بیش‌تر و بهتر بتوانیم به وضعیت شاگردان بیندیشیم! ارزشیابی سالانه نمی‌تواند تأثیر مثبت اخلاق و رفتار من معلم را بر دانش‌آموزانم و ایجاد انگیزه در آن‌ها را بسنجد. ارزشیابی‌های سالانه در ارتقای علاقه و انگیزه‌ی معلمان نسبت به شغل معلمی تأثیری ندارد. در بخش‌هایی از فرم ارزشیابی سالانه، مانند تقدیرنامه‌ها، معیارهای اخلاقی و رفتاری عدالت رعایت نشده‌اند و بیشتر سلیقه‌ای عمل شده است. بسیاری از همکاران دوست دارند با مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی در ارتباط و عضو این خانواده باشند، اما متأسفانه اکثر آن‌ها با اصول تخصصی نگارش آشنا نیستند! به همین علت نتوانسته‌اند تا به امروز تجارب ارزنده‌شان را در اختیار خوانندگان مجله بگذارند. حتی بسیاری از معلم‌های عزیز ما در عرصه‌های آموزشی و تربیتی تجربه‌های گران‌بهایی دارند که به خاطر درگیری و مشغله‌های روزمره، فرصت نگارش آن‌ها را ندارند.

امیدواریم مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی بتواند انگیزه‌ی معلمان را نسبت به حرفه‌ی معلمی بالا ببرد. اگرچه بعضی از معلمان ناخواسته وارد این حرفه شده‌اند و از روحیه و نگرش معلمی آگاه نیستند و همین امر ضربه‌های جبران‌ناپذیری به آموزش و تربیت دانش‌آموزان و به تبع آن جایگاه و شأن فرهنگیان زده است.

مریم عباسی

آموزگار پایه‌ی سوم ابتدایی

تهران - منطقه ۱۱